

مقدمه

طایفه روشنفکران در کشورهای پیرامونی متعلق به دوران گذارند و در شکاف معرفتی میان سنت و مدرنیته حرکت می‌کنند. آن‌ها هم دلی در گرو سنتِ پس‌پشت دارند و هم در محصولات معرفتی جهان جدید به دیده عنایت می‌نگرند و در سامان‌بخشیدن نظام معرفتی خود و مخاطبان از آن بهره می‌برند؛ هم در ساحت نظر با بهره گرفتن از دانش ژرف و فراست و بصیرت خویش مفهوم‌سازی می‌کنند، هم در ساحت عمل چشم بیدار جامعه‌اند و دلمشغول و نگران مناسبات و روابط اجتماعی و سیاسی جاری و ساری میان مردمان و حکومت. روشنفکران ایرانی (اعم از دینی و غیر دینی) نیز از این قاعده مستثنا نیستند و از آغاز مواجهه ایرانیان با مدرنیته، مجدانه و صادقانه در این وادی بخت خویش را آزموده‌اند و یافته‌های خویش را پیش چشم دیگران قرار داده‌اند.

کتاب پیش رو مشتمل بر تأملات نگارنده، طی سالیان اخیر، در پاره‌های مختلف نظام معرفتی روشنفکران معاصر است؛ روشنفکران و اندیشمندانی که بدون تردید خدمتی بی‌بدیل و ماندگار به فرهنگ این مرز و بوم کرده‌اند و نقش مهمی در پیدایی فضای اندیشگی کنونی ما داشته‌اند.

«ترنم موزون حزن: داریوش شایگان، نقد ایدئولوژی و گفت‌وگو در فراتاریخ»، نخستین نوشتار این مجموعه است. «گفت‌وگو در فراتاریخ» یکی از مفاهیم برساخته داریوش شایگان، روشنفکر مشهور معاصر است که در افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار طرح شده است. در این مقاله با استفاده از دیگر برساخته شایگان، «ایدئولوژی شدن سنت»، جایگاه «گفت‌وگو در فراتاریخ» در نظام معرفتی شایگان کاویده شده، لوازم و نتایج مترتب بر پذیرش آن مورد بحث قرار گرفته است.

مقاله بعدی «ملکیان و فایده‌گرایی اخلاقی» است. مصطفی ملکیان از روشنفکران ایده‌پرداز تأثیرگذاری است که درباره فلسفه اخلاق و روانشناسی اخلاق بسیار اندیشیده است. به نظر می‌رسد او در حوزه اخلاق هنجاری^۱ با اخلاق فضیلت‌گرا^۲ همدلی بیشتری دارد؛ به نحوی که می‌توان او را فضیلت‌گرا نامید. در این نوشته کوشیده شده تا نشان داده شود درحالی که ملکیان و روشنفکران دینی متأخر (عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری) در فرااخلاق به عدم ابتدای اخلاق بر دیانت قائلند و به نحوی از اخلاق سکولار دفاع می‌کنند، در اخلاق هنجاری عنایت چندانی به فایده‌گرایی اخلاقی و احیاناً محاسن آن ندارند.

1. normative ethics

2. virtue ethics

«روشنفکری دینی: تفکر یا ترجمه؟» مراد فرهادپور و میراث روشنفکران دینی» متکفل بحث در باب «تفکر و ترجمه» و «روشنفکری دینی» در آثار مراد فرهادپور است؛ روشنفکری که در تقریر و اشاعه آموزه-های منتقدین مدرنیته نقش مهمی ایفا کرده است. فرهادپور بر این باور است که آنچه تاکنون توسط روشنفکران و کنشگران فرهنگی ما منتشر شده، قویاً خصلت ترجمه‌ای دارد. علاوه بر این، ایشان پدیده «روشنفکری دینی» را حول امر سیاسی، که البته آن را امری مهم می‌داند، تعریف می‌کند و این مؤلفه را در کارنامه روشنفکران دینی معاصر برجسته و تأکید می‌کند که می‌توان کند و کاوهای معرفتی گوناگون روشنفکران دینی را حول این مؤلفه سامان بخشید. در این نوشته مدعیات یاد شده نقد شده است.

«عرفان و میراث روشنفکری دینی» به بحث از منزلت عرفان در سنت روشنفکری دینی معاصر می‌پردازد. مرحوم علی شریعتی و عبدالکریم سروش، مهمترین و مؤثرترین روشنفکران دینی معاصر، در نظام معرفتی خویش به عرفان نیز پرداخته‌اند. مقاله می‌کوشد تا با تبیین موضع ایشان در باب عرفان، توضیح دهد نسل بعدی روشنفکران دینی که میراث بر پیشینیان است، برای به‌دست دادن تلقی منقح‌تر و رهگشا‌تر از عرفان، به چه اموری باید پردازد.

مرحوم مرتضی مطهری از سرآمدان فلسفه اسلامی در روزگار کنونی بود. هرچند نمی‌توان او را روشنفکر به حساب آورد؛ چراکه انس و آشنایی زیادی با آموزه‌های مدرن نداشت و برخلاف قاطبه روشنفکران معاصر زبان خارجی نمی‌دانست و در غرب نزیسته بود؛ اما تلاش‌های وی جهت تطبیق و ربط و نسبت میان آموزه‌های فلاسفه غربی و فیلسوفان مسلمان قابل تأمل است. «مطهری و فلاسفه جدید غرب» مباحث تطبیقی مطهری در دو حوزه معرفت‌شناسی و اخلاق را وجهه همت خود قرار داده، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

مرحوم مهدی بازرگان، روشنفکر و قرآن‌پژوهی بود که در مقام عمل نیز سیاست‌ورزی پیشه کرد. وی با علوم طبیعی جدید (و نه علوم انسانی و فلسفه جدید) آشنایی خوبی داشت و از آن منظر در دیانت و سیاست و اجتماع می‌نگریست. «بازرگان؛ روشنفکر فایده‌گرا» که در اصل جهت بررسی مجموعه آثار ۱۶ ایشان که در سال گذشته انتشار یافته تقریر شده، مؤلفه‌های مهم نظام معرفتی بازرگان را به بحث می‌گذارد. علاوه بر این، «نقد از کدام منظر؟» متکفل تبیین شیوه سیاست‌ورزی بازرگان است؛ سیاست‌ورزی‌ای که مقید به قیود اخلاقی بود و حقوق بشر را پاس می‌داشت. این مقاله در نقد مقاله آقای عباس عبدی درباره کارنامه سیاسی بازرگان نوشته شده است.

«شبهت خانوادگی روشنفکران» و «روشنفکری و کنشگری سیاسی» تلاش می‌کند تا با وام گرفتن مفهوم «شبهت خانوادگی» از فلسفه ویتگنشتاین متأخر، کثرت بالفعل و غیرقابل تحویل به وحدت در خانواده روشنفکران ایرانی را تبیین کرده، نسبت روشنفکری با سیاست و امر سیاسی را توضیح دهد.

«در دفاع از روشنفکران» به نیت دفاع از کارنامه روشنفکران معاصر، با عنایت به تمام کاستی‌های بالقوه و بالفعلش، نوشته شده است. گره‌گشایی‌های روشنفکران درباره مقولاتی چون سکولاریسم، لیبرالیسم، رابطه دموکراسی و دین، تفکیک میان رابطه حقیقی و حقوقی دین و سیاست، در این نوشتار به بحث گذاشته شده است. این مقاله در پاسخ به مقالات آقای محمد قوچانی درباره جریان روشنفکری معاصر به رشته تحریر درآمده است.

«نازینی تو ولی در حد خویش» و «علوم انسانی: امکان یا امتناع؟» ناظر به برخی از محصولات فکری روشنفکری پس از انقلاب است. تفکیک میان دو مقوله «توجیه» و «تبیین» و تأکید بر این امر که موجه سازی مدعیات پیش رونه به مدد تبیین شرایط چرایی وقوع امری بلکه با استدلال‌ورزی و تنها به مدد ادله اقامه شده میسر است، از مقولاتی است که مورد تأیید روشنفکران متأخر قرار گرفته است. همچنین تفکیک میان علم دینی و علم غیر دینی و تبیین این مطلب که علوم تجربی جدید (اعم از انسانی و غیر انسانی) در موضوع، روش و غایت مقید به قید اسلامی نیستند (مگر این که قائلین به علوم انسانی اسلامی دقیقاً توضیح دهند که از علم انسانی اسلامی چه معنایی را مراد می‌کنند)؛ از دستاوردهای روشنفکری پس از انقلاب است.

پس از مقالات، نوبت به یادداشتی می‌رسد به یاد روشنفکر و قرآن‌پژوه فقید معاصر مصری، نصر حامد ابوزید، تحت عنوان «او نیز گذشت از این گذرگاه». حدوداً چهار و نیم سال پیش در حاشیه سمینار اسلام و مدرنیته در آمستردام توفیق دیدار و گفت‌وگو با او دست داد. این یادداشت شرحی است از آنچه شنیدم و آموختم.

«مصاحبه‌ها» پس از مقالات و یادداشت در می‌رسد. «تاریخ قرائت ایدئولوژیک از دین تمام شده است» به همت آقای حامد خازنی و «شریعتی که بود و چه گفت» به همت آقای روح‌اله مهاجری مصاحبه‌هایی است ناظر به نظام معرفتی مرحوم علی شریعتی. در این مصاحبه‌ها کوشیده‌ام به مثابه کسی که روزگاری به گفتمان شریعتی تعلق خاطر داشته و اکنون مدت‌هاست که از آن نظام معرفتی فاصله گرفته و با آن وداع گفته؛ اما در عین حال به دیده احترام به آموزگار پیشین خود می‌نگرد، منصفانه به داوری کارنامه او بنشینم و نقاط قوت و ضعف آن را برشمارم.

«زمینه و زمانه مدرنیته ایرانی» مصاحبه‌ای است به همت آقایان بیژن مومیوند و رضا شجاعیان درباره مدرنیته ایرانی و مؤلفه‌ها و مقومات آن و تفاوت و تشابه آن با سایر مدرنیته‌هایی که در کشورهای پیرامونی بروز و ظهور یافته است. علی‌رغم تلاش‌های مأجور روشنفکران ما در دهه‌های گذشته، فقدان نهادهای مدرن در میان ما ایرانیان از موانع جدی نهادینه‌شدن مدرنیزاسیون در میان ماست. این مهم در این مصاحبه مورد تأکید قرار گرفته است.

«دموکراسی ایرانی در دو روایت» میزگردی است به همراه دوست و همکار گرامی آقای تقی آزاد ارمکی به همت آقایان بیژن مومیوند و مهدی تاجیک در باب آخرین کتاب علی میرسپاسی روشنفکر معاصر که به زبان فارسی انتشار یافته، تحت عنوان «اخلاق در حوزه عمومی». نگاه جامعه‌شناسانه به اخلاق و پدیده «روشنفکری دینی» در این گفت‌وگو مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. حسن ختام این مجموعه، گفتگوی است تحت عنوان «هرمنوتیک و تفسیر دینی از جهان» که به همراه دوست عزیز، جلال توکلیان با متاله و روشنفکر دینی نام‌آشنای معاصر، محمد مجتهد شبستری انجام شده است. در این گفت‌وگو، مجتهد شبستری بر تفسیر دینی از جهان تأکید می‌کند و غایت قصوای دعوت پیامبر گرامی اسلام را بخشیدن نگاهی تازه به مخاطبان می‌داند؛ نگاهی که «از حادثه عشق‌تر» است؛ نگاه قدسی‌ای که عالم را نه ایستاده بر پای خود که ذی‌شعور و حی تجربه می‌کند: «ما هیچ، ما نگاه».

ناگفته نگذارم از مقالات فوق «علوم انسانی اسلامی: امکان یا امتناع؟»، «مطهری و فلاسفه جدید غرب»، «ملکیان و فایده‌گرایی اخلاقی»، «در دفاع از روشنفکران»، «او نیز گذشت از این گذرگاه»، «عرفان و میراث روشنفکری دینی»، «نقد از کدام منظر؟»، «ترنم موزون حزن» پیش از این به ترتیب در شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ مهرنامه به چاپ رسیده است. «شبهات خانوادگی روشنفکران»، «روشنفکری و کنشگری سیاسی»، «نازینی تو ولی در حد خویش» و «زمینه و زمانه مدرنیته ایرانی» در روزنامه شرق منتشر شده است. «هرمنوتیک و تفسیر دینی از جهان» در فصلنامه مدرسه شماره ۲، «دموکراسی ایرانی در دو روایت» در روزنامه اعتماد (دیماه ۱۳۸۸)، «بازرگان؛ روشنفکر فایده‌گرا» در هفته‌نامه ایراندخت شماره ۱۴، «تاریخ قرائت ایدئولوژیک از دین تمام شده است» در ماهنامه نسیم بیداری شماره ۷ و «شریعتی که بود و چه گفت» در تارنمای ایلنا به چاپ رسیده است. تمامی مقالات و مصاحبه‌ها با قدری دخل و تصرف در این مجموعه چاپ شده‌اند. از همه مسئولان و دست‌اندرکاران این نشریات که با چاپ این جستارها در این مجموعه موافقت کردند، سپاسگزارم. علاوه بر این از دوستان عزیزم آقایان هومن پناهنده، جلال توکلیان، حسین

شیخ‌رضایی، بابک عباسی و محمد منصور هاشمی که هریک برخی از مقالات این مجموعه را خوانده و مرا از ملاحظات سودمند و رهگشای خود بهره‌مند ساختند، صمیمانه تشکر می‌کنم. آقایان ابوالفضل صبرآمیز و بهزاد محمدی به ترتیب زحمت زیادی برای ویراستاری و حروفچینی این مجموعه کشیدند، از این بابت از ایشان بسیار ممنونم. همچنین، ارج می‌نهم زحمات آقای محمدجواد مظفر، مدیر محترم و فرهنگ‌دوست نشر کویر را برای نشر این اثر.

مواجهه ایرانیان با مدرنیته، قصه پرغصه درازآهنگی است که طی یکصد و پنجاه سال گذشته گریبان‌گیر ما بوده است. روشنفکران ما، با پیشینه و علقه و فضل و مایه متفاوت، تأملات خویش را در باب نسبت میان سنت ستمبرِ پس‌پشت و مدرنیته و مدرنیزاسیونی که به سر ما آوار شده بر آفتاب افکنده‌اند؛ تأملاتی که از جنس ترنم‌اند؛ نه قیل و قال و هیاهوی گوش‌خراش و دل‌آزار؛ و در عین حال موزونند و از نظم و نسقی تبعیت می‌کنند، نه اینکه آشفته و شلخته تقریر شوند؛ همچنین حزین‌اند بدین معنا که به‌رغم جهدهای صادقانه و مجدانه و حقیقت‌طلبانه، آرمان‌های روشنفکران به‌طور کامل محقق نشده و تلاش‌هایشان وافی به مقصود نبوده است و ما همچنان در نیمه راهیم: «ولی نشد که روبروی وضوح کبوتران بنشیند».

«ترنم موزون حزن» گام خردی است در راستای اندیشیدن درباره وضعیت اینجایی و اکنونی ما با پیش چشم قراردادن تلاش‌ها و کاوش‌های نظری بصیرت‌زا و معرفت‌بخش روشنفکران معاصر. عقلاً و اخلاقاً نباید میراث اهالی فرهنگ و خرد را فرونهاد؛ در عین حال نمی‌توان به دیده انتقاد، به نیت بازشناختن و تفکیک ایده‌های صواب از ناصواب، در نظام معرفتی ایشان ننگریست. پرداختن به میراث روشنفکران معاصر و به دیده عنایت در آن نگریستن و نقد و بررسی آن، مفیدترین و به‌یادماندنی‌ترین شیوه‌پردانی از زحمات بی‌شائبه ایشان است:

زین روش بر اوج انور می‌روی ای برادر گر بر آذر می‌روی